

خبر واکنشی دیگر به حاشیه‌های ساخت فیلم درباره شمس و مولانا



بخش فرهنگی – مجید پازوکی با اشاره به ساخت فیلم «مست عشق» به کارگردانی حسن فتحی در نامه‌ای نوشت: شمس و مولانا متابعت حضرت رسول (ص) را در اولویت قرار داده‌اند.

به گزارش ایسنا، دکتر مجید پازوکی، مدرس ادبیات عرفانی و مثنوی شریف و مولاناپژوه درباره استفتاء جمعی از طلاب حوزوی درباره ساخت فیلم سینمایی «مست عشق» به کارگردانی حسن فتحی و با بازی شهاب حسینی در نقش شمس تبریزی و پارسا پیروزفر در نقش حضرت مولانا، در نامه‌ای به مراجع و آیات عظام نورزی همدانی و مکارم شیرازی نوشت: با سلام و ارادت و آرزوی صحت بزرگواران ارجمند، پیرامون استفتاء جمعی از طلاب حوزوی در مورد ساخت فیلم سینمایی «مست عشق» به کارگردانی جناب حسن فتحی سینماگر برجسته و ارزشمند کشور، لازم دانستم نکاتی را به اطلاع برسانم؛ ۱- متأسفانه متن استعلام طلاب عزیز، مملو از اخبار نادرست و گزارش‌های نامعتبر و البته ملوکو به صفات زشت غیراخلاقی و دور از مراتب ادب است که از ساخت طالبان و عالمان دین به‌دور است. به‌عنوان مثال، این فیلم هرگز با بودجه هیچ دولتی تهیه نشده و حتی در داخل کشور هم ساخته نمی‌شود و قرار هم نیست از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شود.

او همچنین نوشته است: ۲- به قطع یقین، ایمان دارم که نویسندگان این استعلام، تاکنون یک کلمه از متن بسیار ثقیل و صعب مقالات شمس را مطالعه نفرموده و ایضا کمترین آشنایی نیز با مثنوی شریف که مورد شمس و تفسیر بزرگانی همچون؛ ملاهادی سبزواری مشهور به «شیخ اسرار» و مرحوم علامه محمدتقی جعفری قرار گرفته، ندارند.

در بخش دیگری از این نامه آمده است: ۳- سراسر این متون ماندگار و انسان‌ساز، مشحون از آیات قرآنی و احادیث نبوی و قصص تاریخی راجع به رسول الله (ص) و انبیاء عظام و اولیاء الله هست، شمس تبریزی شرط وصول به حقیقت و کمال انسانی را دو چیز می‌داند؛ عشق به خالق هستی و متابعت سول‌الله (ص). اصولاً شمس و مولانا متابعت حضرت رسول (ص) را در اولویت قرار داده و خط قرمز ایشان همین مطلب است و حتی شرط ارادت و دوستی با عالمان و بزرگان و هر جا که بحث قضاوت شخصیت اشخاص به میان می‌آید، شمس، موضوع متابعت رسول اکرم (ص) را لحاظ می‌کند. مولانا نیز به‌شدت شیفته حضرت ختمی مرتبت بوده و تعابیر و تعاریف ایشان از رسول خدا و امیرالمومنین علی (ع) و سیدالشهدا (ع) در تاریخ ادب و زبان و فرهنگ ایرانی و اسلامی نقشگذار است.

پازوکی در ادامه این نامه نوشته است: ۴- چگونه چنین عارفانی که سراسر آثارشان مختص رسول خدا (ص) و انبیا و اولیا است می‌توانند تعوذ بالله به ساخت ذخت گرمی حضرت رسول (ص) و همسر فاداکار امام علی (ع) یعنی فاطمه زهرا (س) اهانت روا دارند؟ شمس تنها حدیثی را نقل قول کرده در دو خط و کوچکترین اهانت و بی‌حرمتی در این مطلب دیده نمی‌شود. و تنها نقل پرشش و پاسخی است میان پیامبر (ص) و ذخت گرانقدر ایشان. آیا به‌نظر شما بزرگان، نقل نقل قول حتی اگر در صحت آن تردید داریم دلیلی بر تکفیر و تفسیق شخصیت ممتازی به‌نام شمس می‌تواند باشد؟ بنابراین حساب مرحوم علامه فقیه مجلسی صاحب بحار الأنوار با کرام الکاتبین خواهد بود!!!

این مدرس ادبیات عرفانی و مثنوی شریف در ادامه نوشته ست: ۵ – در تاریخ عرفان و ادبیات عرفانی هیچ عارف و شاعری به اندازه مولانا و شمس به صوفیان و خاقانۀنشینان و نشاخته و اعتراض نکرده‌اند؛ شمس به‌کرات در مقالات خود صوفیان را سرزنش کرده است و خانقاه و چله‌نشینی و رسوم غلط خره‌سپاری و … را مذموم می‌شمارد. و ایشان را این‌طور تعبیر می‌کند که لاف درویشی می‌زنند!!! استاید و علمایی که شمس محضر ایشان را درک کرده با واسطه یا بی‌واسطه اغلب از علما و فقهایی برجسته زمان خود بودند از جمله؛ شیخ رکن‌الدین سجاسی و فخر رازی و شمس‌الدین خوبی و اسداله متکلم و … که همگی از عالمان دین و روات حدیث و اهل کلام و تفسیر و فقهایی بزرگ زمان خود بودند. این مولاناپژوه در ادامه نامه خود ذکر کرده است: لطفا به طلاب نازنین پرسشگر تأکید فرمایید به‌جای غوغاقتگی و قیل و قال‌های عامیانه، با دقت آراء شمس و مولانا را مطالعه فرمایند تا به عمق تقید ایشان به اصول دین و احکام شرع و فروعات بی ببرند. به‌راستی تعابیر ایشان از نماز، روزه، حج و زکات چنان ظریف و عاشقانه است که کما کتب کسی است این مطالب را بخواند و لمطافند دل به دین و آدم‌دار دینی ببندد. مجید پازوکی در بخش دیگری از این نامه نوشته است: ۶- از دیگر آراء شگفت‌انگیز شمس، بحث ولی مستور و ولی مشهور است که در کنار تعلیمات سیدبرهان‌الدین ترمذی در کتاب ارجمند عرفانی، همان سید سزدان مربی و استاد مولانا به تبیین معارف وجود مبارک امام زمان (ع) به صراحت تأکید می‌کند. ۷- ای کاش طلاب جوایب علم و ارجمند ما پیش از ارسال این مرقومه درشت و تیز به بیانات رهبر ارجمند و ادیب جمهوری اسلامی دقت بیشتری می‌کردند که ضمن تجلیل از محتوا و مفاهیم عمیق معنوی دیوان شمس و مثنوی شریف با اشاره به مقدمه مثنوی می‌فرمایند من نیز این اثر را اصول اصول دین دین می‌دانم و شهید مطهری نیز بر این باور بودند. این مدرس ادبیات عرفانی و مثنوی شریف و مولاناپژوه در پایان نامه خود ذکر کرده است: ضمن تأکید بر مراتب تقوی و تدین و شایستگی سازندگان این اثر، بخصوص جناب استاد حسن فتحی از حضرات عظام تقاضا دارم، به‌ویژه در این اوقات، که جامعه ما بیش از پیش به همدلی وحدت و آرامش بیشتری نیاز دارد، همگان را به رعایت تقوای الهی و پرهیز از مواضع تهمت و تخریب دعوت فرمایند. با آرزوی سلامتی‌تان. متمنم دعای خیر.

{فرهنگ و هنر}

بهترین فیلم‌های جشنواره‌ی تورنتو ۲۰۱۹

نمی‌رسد، اما قطعاً فیلم مجذوب‌کننده‌ای است.

البته منتقدانی هم نظر متوسط نسبت به فیلم داشته‌اند، اما حتی آن‌ها هم معتقدند که این تریلر روانشناختانه‌ای است که در تمام لحظاتش یک قدم جلوتر از تماشاگر می‌آیست. نکات زیادی برای لذت بردن از فیلم «اما» وجود دارد. فیلمی که یک‌جور تجربه‌گرایی شخصی هم در آن دیده می‌شود. این فیلم پابلو لورین همان حال و هوایی را دارد که فیلم‌های اولیه‌ی پدرو المادووار داشت و همان تاثیر را روی تماشاگر می‌گذارد.

شیادان

کارگردان: لورن اسکافاریا



بازیگران: جنیفر لوز، کنستانس وو امتیاز متاکریتیک: ۷۹ از ۱۰۰

فیلم الهام‌گرفته از یکی از مقالات پر فروش مجله‌ی نیویورک است. داستان تعدادی زن که در یک کلوب کار می‌کنند و تصمیم می‌گیرند که با یک‌دیگر یک گروه تشکیل دهند و جیب مشتریانشان را که از وال‌استریت می‌آیند، خالی کنند.

هر چند تصویر گرهای وال استریت با بحران مالی سال ۲۰۰۸ کنار گذاشته شد، اما هنوز هم فیلم‌های زیادی هستند که آن‌ها را به تصویر می‌کشند. این فقط یکی از دلایلی است که چرا به سادگی می‌شود طرف زنان فیلم لورن اسکافاریا ایستاد.

در فیلم از قطعات موسیقی آ راند بی و پاپ استفاده شده است. خود اسکافاریا گفته بود: «من به فیلم به چشم یک اثر موزیکال نگاه می‌کردم. آهنگ‌ها خودشان به تنهایی داستان فیلم را روایت می‌کنند. بیشتر انتخاب‌های موسیقی در فیلمنامه آمده بود. من تصاویر فیلم را برای خودم با آن آهنگ‌ها مجسم می‌کردم. البته شما هیچ‌وقت مطمئن نیستید که می‌توانید حقوق آهنگ را خریداری کنید.» فیلم اشاره به قدرت‌های زنان هم دارد که موضوع محورفی این روزهای جامعه‌ی جهانی است.

روزی زیبا در محله

کارگردان: ماریل هلر بازیگران: تام هنکس، اتریکو کولاتونی امتیاز متاکریتیک: ۸۲ از ۱۰۰

تام هنکس در فیلم «روزی زیبا در محله» نقش فرد راجرز را بازی می‌کند. مردی که همیشه ژاکت پشمی می‌پوشید و اسطوره‌ی دوست‌داشتنی تلویزیون و برنامه‌های کودکان بوده است. او موزیسین و عروسک‌گردان و تهیه‌کننده هم بود. تام هنکس موفق می‌شود که کاملاً کاراکتر راجرز را روی پرده منتقل کند.

با بازی هنکس شما هم می‌توانید دوست‌داشتنی و شیرین را دربراه‌ی فرد راجرز باور می‌کنید. مردی که در همه‌ی برنامه‌هایش از ایمان و باور می‌گفت. فیلم البته داستان مردی به نام لوید ووگل است. ووگل روزنامه‌نگاری عجیب‌جو و بدبین و غرغروست که برنده‌ی چندین جایزه شده و با بی‌میلی قراردادی را امضا می‌کند که به موجب آن باید برای نشریه‌ی اسکوائر زندگی‌نامه‌ای در مورد شمایل دوست‌داشتنی تلویزیونی یعنی فرد راجرز بنویسد. نقطه نظر ووگل نسبت به زندگی بعد از مواجهه‌ی او با راجرز تغییر می‌کند. کارگردان فیلم، ماریل هلر، همان کسی است که سال گذشته فیلم «آیا هرگز می‌تونی منو ببخشی؟» را بر اساس زندگی لی ایزراییل، نویسنده‌ای که تبدیل به یک جاعل حرفه‌ای شد ساخته بود. آن فیلم در هیاهوی فیلم‌های بزرگتر فصل جوایز چندان دیده نشد، در این جا هلر موفق می‌شود حول و حوش دو مرد جهانی خلق کند که مرزهای ارتباطی‌شان رفته رفته محو می‌شود تا تاثیر طراحی نسبتاً جادویی هلر را ببینیم.

اشتراکی

کارگردان: الکساندر نائو

مستندی که هم در جشنواره‌ی تورنتو و هم جشنواره‌ی ونیز به نمایش درآمد. به اندازه‌ی کافی عاقل‌مند کردن مخاطبان به یک فیلم برجسته‌ی رومانیایی دشوار است. حتی اگر مثل فیلم «۴ ماه، ۲ هفته، ۲ روز» کریستین مونوی نخل طلای کن را هم برده باشد. در نتیجه انتظار نداشته باشید که فیلم مستند «اشتراکی» الکساندر نائو به صورت گسترده دیده شود. اما اگر توانستید دیدن‌ش را از دست ندهید. فیلمی که عواقب یک آتش‌سوزی مرگبار در یک کلوب شبانه را به تصویر می‌کشد و می‌کشد که قدرت رسانه‌های خبری مستقل تا چه حد است. این که رسانه‌ها می‌توانند جریان اطلاعاتی غلط را که توسط سیاستمداران فاسد پخش می‌شود بی‌اعتبار کنند. در این فیلم یک تیم از روزنامه‌نگاران ورزشی از این که طبق دستور سوژه را رها کنند سر باز می‌زنند. آن‌ها کسانی را گیر می‌اندازند که از فروش محصولات آنتی باکتریالی ضد عفونی‌کننده می‌پروند و این که چه کسانی در بیمارستان‌ها برای درمان مردم از این داروها استفاده کردند. در نهایت همه‌ی این‌ها باعث می‌شود یک دروغ بزرگ از صنعت دارویی رومانی در مطبوعات افشا و منجر شود. فیلم از خیلی جهات اثر برجسته‌ای است. اثر قبلی کارگردان مستندی درباره‌ی بچه‌هایی بود که در دام قمار گرفتار شدند. اما این جا دوربین مشاهده‌گر کارگردان از سطح یک فیلم اجتماعی فراتر می‌رود و عمق احساسی پیدا می‌کند.

دلمایت اسم من است

کارگردان: کرگ برور

بازیگران: ادی مورفی، کیگان مایکل کی

امتیاز متاکریتیک: ۶۹ از ۱۰۰

شیرینی خالص برای همه‌ی خوره‌ی فیلم‌ها. فیلم انگار نسخه‌ای از «دو دود» یا «هنرمند فاجعه» است که البته به استثمار سیاهان می‌پردازد. ادی مورفی نقش رودی ری مور را بازی می‌کند. ری مور یکی از اسطوره‌های واقعی سیاهپوستان است که از پیشگامان کمدی و رب محسوب می‌شد. وقتی کاراکتر او به نام دلمایت که مبارز کونگ‌فوست و بارزه، ولی کمی کمدی و وقیح است تبدیل به پدیده‌ای در ماجرای استثمار سیاهان در دهه‌ی ۷۰ می‌شود. فیلمنامه‌نویسان کار اسکات الکساندر و لری کارائوشکی کسانی هستند که زائر ساختن «فیلم‌های زندگی‌نامه‌ای درباره‌ی کسانی که کسی سراغ‌شان نمی‌رود» را اختراع کردند. فیلم تمجیدی از گستاخی نمایش‌های آمریکایی-آفریقایی آن دهه است. از دهه‌ی ۸۰ به بعد می‌شود گفت که این بهترین نقشی است که برای ادی مورفی نوشته شد.

قلب تپنده‌ی فیلم صحنه‌هایی است که شاهد روی صحنه رفتن ری هستیم و این که چه‌طور تماشاگران به او می‌خندند. به گفته‌ی منتقدان بازی در نقش مردی که جزو پیشگامان کمدی و آدم‌های تاثیرگذار روی ادی مورفی محسوب می‌شود باعث شده که او بعد از مدت‌ها در ایفای یک نقش لذت محض را تجربه کند. همان چیزی که باعث می‌شد در دهه‌ی هشتاد حضورش در فیلم‌های خاصیت معجزه‌واری داشته باشد.

اما

کارگردان: پابلو لورین

بازیگران: سانتیآگو کابیرا

امتیاز متاکریتیک: ۷۲ از ۱۰۰

فیلمی که در جشنواره‌ی ونیز اول به نمایش درآمد و حالا هم به تورنتو آمده است. تا امروز، پابلو لورین کارگردان شیلیایی تقریباً تنها کارگردانی باقی مانده بود که همه‌ی فیلم‌هایش روی داستان‌هایی تمرکز دارند که در گذشته اتفاق افتاده‌اند. در نتیجه شوه‌کننده بود این که متوجه بشویم همان فکری که فیلم‌هایی مثل «جکی» و «No» را ساخته بود حالا یک تصویر رادیکال از زنانگی مدرن در فیلمش ارائه داده است. فیلم داستان زوجی است که با عواقب یک فرزندخواندگی دست و پنجه نرم می‌کنند. فرزندخواندگی که باعث شده مسیر زندگی‌شان منحرف شود و تقریباً با هم نباشد.

به گفته‌ی منتقدان این یکی از جاهدطلبانه‌ترین و لحاظ صبری مهیوب‌کننده‌ترین فیلم‌های سال است. فیلم «اما» البته در همه‌ی لحظاتش به یک ریتم قابل توجه

۲۰۱۹

فیلم البته تماشاگرانش را راضی خواهد کرد. منتقدان هم معتقدند به هر حال فیلم باعث می‌شود سوالاتی برای مخاطبانش پیش بیاید که خوب است. هر چند ممکن است از لحاظ هنری چندان مخاطبانش را راضی نکند.

تاج‌بخش

کارگردان: لورن گرینفیلد

بازیگران: ایملدا مارکوس

این مستند روی کارنامه‌ی سیاسی بحث‌برانگیز ایملدا مارکوس تمرکز می‌کند. ایملدا مارکوس بانوی اول سابق فیلیپین است که پشت پرده تاثیرات زیادی بر تصمیمات شوهرش می‌گذاشت. کارگردان فیلم در اصل عکاس است و

از شرکت‌کنندگان مسابقه‌ی زیبایی تا افتضاح در جراحی پلاستیک و حتی دستنوشته‌ی‌های طلایی عکس گرفته است. به عنوان عکاس او شیوه‌ای را که ما به وضعیت‌های گوناگون در جهان مدرن نگاه می‌کردیم، تغییر داده است. به عنوان فیلمساز، فیلم‌هایش مثل «تروت نسل» و «ملکه ورسای» همیشه یک قدم عقب‌تر از عکس‌هایش ایستاده‌اند. اما حالا فیلم «تاج‌بخش» را دارد که در به تصویر کشیدن دیکتاتوری سرنگون‌شده‌ی فردیناند، رییس‌جمهور سابق فیلیپین و همسرش اثری مهم و جدی و قابل بحث است.

تدوین و سر هم کردن تصاویر این مستند سال‌ها از گرینفیلد وقت گرفته است. در این فیلم نشان داده می‌شود که چه‌طور یک قدرت می‌تواند به فساد کشیده شود.

داستان ازدواج

کارگردان: نوآ بومباک

بازیگران: اسکارت جوهانسون، آدام درایور

امتیاز متاکریتیک: ۹۵ از ۱۰۰

این کارگردان مستقل درجه یک که فیلم‌های نیویورکی درباره‌ی آدم‌های بالغ و روابطشان می‌سازد این بار سراغ یک کمدی-درام رفته است. فیلم در نیویورک و لس‌آنجلس تصویربرداری شده و قرار است اکران محدودی داشته باشد تا شانسش برای حضور در فصل جوایز پیدا کند و بعد از آن از شبکه‌ی آن‌لاین نتفلیکس پخش خواهد شد. داستان زن و شوهری که می‌خواهند از هم جدا شوند. یکی از آن‌ها بازیگر سابق دیگری کارگردان تئاتر و پروسه‌ی فرساینده‌ی طلاق‌شان باعث می‌شود آن‌ها در زندگی شخصی و خلاقیت‌های کاری‌شان به مرز انفجار برسند. منتقدان عاشق فیلم شده‌اند و درباره‌اش نوشته‌اند: «حساسیت، شوخ‌طبعی و هوشمندی در فیلم به فراوانی یافت می‌شود و اثر در لحظاتی موفق شده به نوعی برهنگی عاطفی خام و بی‌برده دست پیدا کند. کاری که در سینما به دشواری قادر به انجام آن هستیم. این فیلم شبیه میانه‌ی جنگی برای کوشش‌های دو بازیگر است که در نهایت هردویشان هم برنده از میدان بیرون می‌آیند. فیلمی که هر چند داستانش در دل یک کشمکش اتفاق می‌افتد، اما در نهایت از آن جایی که کارگردان و بازیگران توانسته‌اند فراتر از قابلیت‌های قبلی خودشان بروند تماشاگر را سرخوش می‌گذارد.» این همان فیلم از نوآ بومباک است که منتظرش بودیم. یک درام مینی‌مالیستی درباره‌ی یک موضوع مهم که به روش بومباک هوشمندانه ساخته شده است. بخشی از فیلم قرار است ما را به تفکر وادارد. هر بار باید تصمیم بگیریم که حق با کدام طرف ماجراست.

فیلم ما را به یک سفر پیچیده در دل جایی، عشق، مبارزه و حتی سیاست یک ازدواج دعوت می‌کند.

سنگ‌ها

کارگردان: سارا گاورون بازیگران: باکی بیکری، کوثر علی هیچ شکی نیست که سارا گاورون، کارگردان فیلم با این اثری که ساخته سهم خودش را در درام‌های مربوط به طبقه‌ی کارگری بریتانیا ادا کرده است. فیلمی شبیه همان درام‌هایی که کن لوچ و مایک لی پیش از این ساخته‌اند. از این کارگردان پیش‌تر فیلم «زنان صاحب حق رای» (SUFFRAGETTE) را دیده بودیم و این فیلم نگاهی به زندگی روزمره‌ی دختر نوجوانی است که ناگهان خودش را در وسط میدان مبارزه می‌بیند. او در تلاش است تا از خودش و برادر کوچکترش مراقبت کند.

ممکن است اصلاً متوجه نشوید که فیلم در لندن ساخته شده است. چون فیلم ما را در یک حیاب نگه می‌دارد که جمعیت آن زنان رنگین‌پوست هستند. با دیالوگ‌های سنگین‌اش، کاردنیل ایش، کاردنیل برگولیکو و کاترین که دانه در هم ناپدید می‌شوند و سلفی‌های اسنپ‌چت، شیوه‌ی فیلم بازتاب کاراکترهایش است بدون این که مستقیم پیامش را در صورت تماشاگرش فریاد بزند. داستان نوجوانانی که بین عصیان و مسئولیت در رفت و آمد هستند، مخاطبان را برانگیخته خواهد کرد.

دو پاپ

کارگردان: فرناندو میرلس بازیگران: جاناتان پرایس، آنتونی هاپکینز

امتیاز متاکریتیک: ۸۲ از ۱۰۰

شش سال پیش وقتی مجادله‌های خشم‌آلود درباره‌ی سوءاستفاده‌های جنسی در کلیسای شش قرن گذشته کلیسای کاتولیک را سرزنش کرد. همان موقع مستند شد که پدر روحانی با جانتشین‌اش، کاردنیل برگولیکو بی‌گناه کرده و سه بار می‌خواست که از سمتش کناره‌گیری کند. هیچ‌کس نمی‌داند در جلسات میان آن دو نفر چه حرف‌هایی رد و بدل شده است. آنتونی مک‌کارتن، فیلمنامه‌نویس فیلم «دو پاپ» از همین ماجرا استفاده کرده و از تخیل خودش کمک گرفته تا آن جلسات و مکالمه‌های مهم را بنویسد. از همین حالا می‌شود خیالتان را راحت کنید که هیچ چیز کسل‌کننده‌ی در فیلمی که فرناندو میرلس براساس فیلمنامه‌ی مک‌کارتن ساخته وجود ندارد.

فیلم پشت دیوارهای واتیکان اتفاق می‌افتد و پاپ بندیکت محافظه‌کار با پدر فرانسیس لیبرال که پاپ آینده است باید در یک زمینه‌ی مشترک با هم به تفاهم برسند تا بتوانند کلیسای کاتولیک را از مسیر جدیدی به سلامت به مقصد برسانند.

منتقدان شوخ‌طبعی و بازی دو بازیگر اصلی فیلم را به شدت ستایش کرده‌اند. منتقد درپ گفته است: «چیزی که فیلم «دو پاپ» را تا این حد مفرح می‌کند به جز فیلمنامه‌ی مغازه‌اش در محله‌ی معروف به الماس قرار دارد. وقتی جنس‌هایش از یکی از بهترین فروشنده‌هایش گرفته می‌شود او باید راهی پیدا کند که حالا قرض‌هایش را بپردازد.

منتقد هالیوود ریپورتر می‌گوید که برادران سفدی و بازیگرانش این جا به اندازه‌ی کافی در فیلم عمیق شده‌اند تا یک اثر انسانی بسازند. در فیلم تراژدی شخصی یک مرد بوچی سبستنی که او را تعریف کرده، روشن می‌کند. سندلر بازی غریبی در فیلم دارد و موفق می‌شود همزمان منجر و خشمگین و در عین حال به شدت کاریزماتیک به نظر برسد. ما

می‌بینیم که چه‌طور جورانه در حالت ناباوری و شوک مطلق با نابودی دست و پنجه نرم می‌کند. این اجرا شبیه همان بازی درخشانی است که برادران سفدی از رابرت پتینسون در فیلم «زمان‌بندی خوب» گرفته بودند.

جواهرات جدا نشده

کارگردان: بن و جاش سفدی بازیگران: آدام سندلر، جولیا فاکس

امتیاز متاکریتیک: ۸۸ از ۱۰۰

سرگیچه‌آور، نفس‌گیر و مهیوب‌کننده. اگر تا امروز فیلمی از برادران سفدی ندیده‌اید (که البته یک فیلم بیشتر ن ساخته‌اند که نامش «زمان‌بندی خوب» (GOOD TIME) است) اصلاً نگران نباشید. فیلم آخرشان همان چیزی است که باید ببینید.

در شهر نیویورک، هاوارد رتتر صاحب یک مغازه‌ی جواهر فروشی و دلال جواهر است و مغازه‌اش در محله‌ی معروف به الماس قرار دارد. وقتی جنس‌هایش از یکی از بهترین فروشنده‌هایش گرفته می‌شود او باید راهی پیدا کند که حالا قرض‌هایش را بپردازد.

منتقد هالیوود ریپورتر می‌گوید که برادران سفدی و بازیگرانش این جا به اندازه‌ی کافی در فیلم عمیق شده‌اند تا یک اثر انسانی بسازند. در فیلم تراژدی شخصی یک مرد بوچی سبستنی که او را تعریف کرده، روشن می‌کند. سندلر بازی غریبی در فیلم دارد و موفق می‌شود همزمان منجر و خشمگین و در عین حال به شدت کاریزماتیک به نظر برسد. ما می‌بینیم که چه‌طور جورانه در حالت ناباوری و شوک مطلق با نابودی دست و پنجه نرم می‌کند. این اجرا شبیه همان بازی درخشانی است که برادران سفدی از رابرت پتینسون در فیلم «زمان‌بندی خوب» گرفته بودند.

امواج

کارگردان: تری ادوارد شولتز بازیگران: الکسا دمی، استرلینتگ کی. براون، لوکاس هجز

امتیاز متاکریتیک: ۸۲ از ۱۰۰

داستان دو زوج جوان که می‌خواهند از میدان مین بزرگ شدن و عاشق شدن کشتی زندگی‌شان را به سلامت به ساحل برسانند. تری ادوارد شولتز کارگردان در سومین کشتی بلندش کاری رادیکال انجام می‌دهد. او از یک جایی داستان را متوقف می‌کند و سراغ یک کاراکتر جدید می‌رود. این ریسک بزرگی است. البته گروه بازیگرانش در درست از آب درآمدن ماجرا کمک زیادی به او می‌کنند. کلونین هریسون در نقش تابلر، ستاره‌ی کشتی دبیرستان که با فشار خانوادگی دست به گریبان است، بازی کاملاً متقاعدکننده‌ای دارد. او در این فیلم جوری ظاهر شده که به نظر می‌رسد باید به بازیگرانش امیدوار باشیم. «امواج» یکی از آن فیلم‌هایی است که می‌تواند افکار عمومی را تغییر بدهد. از لحاظ فنی اشتباه نیست که فیلم «امواج» از یک فیلم نوجوانانه بدانیم. اما این برجسب نباید باعث شود فکر کنید که با یک فیلم احساسات‌ساز سطحی طرف هستید. فیلم با رنگ و انرژی و موسیقی الکترونیک جلو می‌رود و البته بازی‌هایی که به نظر می‌رسد بازیگرانش آینده‌ی درخشانی پیش رو خواهند داشت.